

روزنه

جنگ؛ بازی «برد- باخت»

محمدحسن احمدی‌راد

● ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹، در پی شلیک اولین گلوله توپ به سمت ایران، عراق آغازگر جنگ هشت‌ساله با ایران شد. با شروع جنگ تحمیلی که از زمین، هوا و دریا علیه کشورمان صورت گرفت، سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل به‌جای انجام وظایف قانونی خویش صرفاً به‌عنوان یک‌ نظاره‌گر فعال ظاهر شدند.

اولین قطع‌نامه سازمان ملل که دارای کمترین خاصیت بود، به‌عنوان قطع‌نامه ۴۷۹ در سوم مهر ۱۳۵۹ و بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به کشور متجاوز صادر شد.

بعد از موفقیت‌های رزمندگان به‌ویژه در عملیات‌های بیت‌المقدس و فتح خرمشهر و پس از اینکه ۲۱ ماه از جنگ تحمیلی می‌گذشت، قطع‌نامه‌های ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۴۰، ۵۴۱ و ۵۸۸ به سیاق سابق توسط سازمان ملل و بدون اشاره‌ای به تجاوز به کشور صادر شد.

جالب اینکه سازمان ملل در پی حمله عراق به کویت که هفت ماه به طول انجامید، ۱۴ قطع‌نامه الزام آور به‌منزله متجاوزبودن عراق صادر کرد. خیره‌سری‌های صدام و همچنین بمباران مردم عراق با بمب‌های شیمیایی در حلبچه و… باعث شد در نهایت قطع‌نامه ۵۹۸ به‌درستی می‌توان گفت سال ۶۷ اوج مظلومیت ملت ایران بود. جنگ با شدت به شهرها نیز گسترش پیدا کرده بود و جنگ نفت‌کش‌ها به اوج خود رسیده بود. حمله به هویابماهای مسافربری و موشک‌باران شهرها نیز گسترش یافته بود.

به‌درستی می‌توان گفت سال ۶۷ اوج مظلومیت ملت ایران بود. جنگ با شدت به شهرها نیز گسترش پیدا کرده بود و جنگ نفت‌کش‌ها به اوج خود رسیده بود. حمله به هویابماهای مسافربری و موشک‌باران شهرها نیز گسترش یافته بود. گفتنی است که فرماندهی جنگ در خلال این سال‌ها از طرف امام خمینی (ره) به دست باکفایت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی سپرده شده بود و او نیز با مشورتی که با کارشناسان و فرماندهان جنگ داشت و با کیاست و نکته‌سنجی خویش در نهایت پیشنهاد خاتمه جنگ را داد که این پیشنهاد با نظر موافق امام، به صورت قبول قطع‌نامه تأیید شد.

بدون‌تردید بهترین راهکار پیروزی در جنگ همین درایتی بود که انجام گرفت. می‌دانیم که در یک جنگ حتما باید نتیجه آن «برد- باخت» باشد. برخلاف جنگ داشت و مذاکرات سیاسی که عمدتاً براساس «برد- برد» است. حال این پیروزی می‌تواند از طریق ادامه جنگ باشد و یا خسارات جانی و مالی بیش‌بینی‌ناپذیر و فرسوده‌شدن جنگ و نابودی کشورها و گاه ممکن است راه دیگری نیز مهیا باشد با خسارات کمتر و همان نتیجه «برد- باخت» را به دست آورد. قبول قطع‌نامه، استکبار را به این نتیجه رسانده بود که پیروزی «برد- باخت» به نفع آنان دست‌نیافتنی است و براساس‌این، قطع‌نامه ۵۹۸ صادر شد. از طرفی ملت ما بنای بر جنگ نداشت و به‌ویژه اینکه مردم عراق مسلمان و شیعه بودند، آنان برخلاف مردم کشورمان که به صورت داوطلبانه در جنگ حاضر می‌شدند، با فشار و زور به میدان جنگ فرستاده می‌شدند که در اظهارات اسیران عراقی به‌وضوح مشاهده می‌شد؛ بنابراین از هر سو ادامه جنگ برای ملت‌ها ناخوشایند بود و باید راهکاری برای آن اتخاذ می‌شد که قبول قطع‌نامه در این راستا ارزیابی می‌شود.

در واقع امکان نداشت استکبار و قدرت‌های بزرگ پیروزی ایران را بربانند. پیروزی ایران در جنگ یعنی تبدیل‌شدن ایران به کشور بلامنافع منطقه که قادر خواهد بود در بسیاری از تحولات اقتصادی نیز اثرگذار باشد. منطقه‌ای سوق الجیشی که ایران در آن قرار دارد، عمده نفت دنیا را تأمین می‌کند و حکومت‌های ضعیف این‌حوزه که بسیار متزلزل نیز هستند، در زمان پیروزی ایران قطعاً توانایی عرض اندام نخواهند داشت. همچنین تسلط ایران بر آب‌راه مهم خلیج فارس و تنگه هرمز که محل عبور کشتی‌ها و نفت‌کش‌های کشورهاست، اهمیت ایران را مضاعف می‌کند. این دلایل و ده‌ها دلیل دیگر مسجل می‌گردد که پیروزی ایران در این جنگ بسیار دشوار خواهد بود و خسارات مادی و معنوی فراوانی به همراه خواهد داشت و نیروهای مسلمان دو کشور متضرر واقعی می‌شدند؛ بنابراین بهترین گزینه پذیرش قطع‌نامه بود. پس مسئولان ایرانی با درایت از فرصت «قطع‌نامه» درست استفاده کردند و برای حفظ منافع و جلوگیری از خسارات جانی و مالی دو کشور مظلوم، موازنه را به سمت خودمان تغییر داده و ملت دو کشور را از این جنگ خانمان‌سوز رهایی دادند. اینها میسر نمی‌شد، اگر دلاورمردی‌های رزمندگان و آزادگان و جانبازان و همه مردم کشورمان نبود. باید یاد کنیم از سرداران رشید جنگ مانند بکری‌ها، همت‌ها، خرازی‌ها و چمران‌ها که شجاعانه از جان خویش گذشتند تا استقلال و تمامیت ارضی این مملکت حفظ شود.

politics@sharghdaily.ir

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

چالش فرهنگی جوان‌گرایی مدیران

توفان عزیزی



از معضلات اجتماعی، اقتصادی و آموزشی مواجه است، مهارت‌مندی، دریافت اصول حرفه‌ای و تعلیم و تحصیل علم مدیریت برای مستعدانی که هنوز از کشور مهاجرت نکرده‌اند تنها با آموزش همگانی به دست نمی‌آید. باید پذیرفت که توجه و کشف جوان دارای ژن مدیریت به‌سادگی توصیه و اعتماد به زن خوب نیست و باید ایمان آورد که اولی را عمدتاً در میان فعالان بخش خصوصی و دانشگاهی و دومی را در بخش حاکمیتی و دولتی می‌توان یافت. اینجاست که باید از خود بی‌پرسم چگونه است در کشورهای توسعه‌یافته، افراد کاردارن از بخش خصوصی و مستقل برای مقاطعی به بدنه دولت جذب می‌شوند، ولی در کشور ما مدیران سابق و اسبق دولتی هستند که به‌وفور در سطوح مدیریتی بخش خصوصی و دولتی حضور دارند.

از سوی دیگر صلاحیت و شایستگی، عامل گماردن جوانان در مناصب مدیریتی و سپردن امور به آنها به‌شمار می‌رود. اما سؤال اصلی اینجاست که مبنای احراز شایستگی جوانان برای تصدی سطوح اجرایی و اعتقادات، با جنسیت، سوابق، گرایش‌ها و توصیه‌ها؟ آیا توانسته‌ایم از بدبیهات عبور کنیم یا گماکان دل در گرو کارگروه‌های گزینش حراست سازمان‌ها بسته‌ایم؟ در سال‌های اخیر که شبکه‌های اجتماعی رفته‌رفته از ابزاری برای سرگرمی تبدیل به اصلی‌ترین راه ارتباطی در دنیا شده‌اند و بستر بسیاری از کسب‌وکارها و روابط بین‌المللی را فراهم آورده‌اند، در کشور ما ضریب نفوذ استفاده از شبکه‌های اجتماعی حدود ۸۰ درصد تخمین زده می‌شود. در این شرایط به‌سادگی می‌توان بخش زیادی از نخبگان و جوانان مستعد را که ظرفیت اداره فردای کشور را دارا هستند، با استناد به تصاویر و محتوای شخصی موجود در شبکه‌های مختلف اجتماعی ناصالح خواند. برای نمونه از این دست می‌توان به

احزاب؛ بنیاد توسعه و اقتدار ملی

کوروش الماسی

است. شاید، ساده‌ترین تبیین حزب این‌گونه باشد: فعالیت سازمان‌یافته گروهی برای تحقق اهداف مشترک جمعی که متشکل از اهداف فردی است. به عبارتی، افراد به این درک کاربردی نائل می‌شوند که در زیست اجتماعی به تنهایی نمی‌توان نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای فردی را صرفاً به اعتبار توانایی‌ها، امکانات، تجربه و دانش فردی خود محقق کند، به‌همین دلیل برای تحقق اهداف فردی در قالب گروه‌های سازمان‌یافته (احزاب) متشکل می‌شود. با درنظرگرفتن شرایط داخلی، آشفتنگی منطقه‌ای، تحولات تاریخ‌ساز جهانی و وجود بدخواهانی که پیوسته در حال تدبیر نقشه‌های شوم برای نفوذ و بهره‌برداری از شرایط و منابع کشور هستند، تداوم و ثبات مدیریت کلان و توسعه و اقتدار ملی در گرو نظام‌مندشدن فعالیت سیاست‌ورزی در قالب احزاب کارآمد و حاکمیت قانون بر تمامی فعل و انفعالات عرصه سیاسی است. سیاست‌ورزان انتصابی و انتخابی و متنفذان در هر جایگاهی باید پاسخ‌گوی اظهارات، عملکرد، طرح‌ها و راهکارهای خود باشند؛ اینکه سیاست‌ورزی در قالب احزاب راه‌های گریز سیاست‌بازان از پاسخ‌گوییون در قبال عملکرد خود را بسیار محدود می‌کند. سیاست‌ورزی در قالب احزاب موجب می‌شود سیاست‌ورزان درک کنند و بپذیرند که سیاست‌ورزی یک عرصه شخصی نیست؛ اینکه موجودیت و اعتبار سیاست‌ورزان در هر جایگاهی نظر و اقبال رأی‌دهندگان (شهروندان) نسبت به آنها است. قضاوت شهروندان در صندوق‌های رای به همه سیاست‌ورزان معنی کارکرد، مفهوم و درستی افعال سیاسی را به شفاف‌ترین شکل تفهیم می‌کند.

اصولگرها با هر اسم و رسمی باید متوجه باشند و بپذیرند که فعالیت حزبی با درنظرگرفتن جمیع شرایط داخلی و خارجی یگانه مسیر ثباتی، کم‌هزینه، مطمئن و پایدار برای اقتدار نظام و توسعه کشور است. سیاست‌ورزان نامنظم و در قالب روابط خویشاندی، هم‌کیشی و منفعتی در جهان معاصر نه فقط میسر نیست، بلکه بسیار پرهزینه و پرمخاطره است. کاربردی‌ترین سنک مبصر تمامی افعال اجتماعی در عرصه‌های گوناگون نتایج عینی، ملموس و ارزیابی‌پذیر است که فعالیت‌های

برای روزنامه‌نگاران دیروز و امروز «شرق»

محمدرضا کریمی

رأس این رسانه مهدی رحمانیان و زحمت‌کشان کارگر از نگهبانی آقای نظری و همه عزیزان زحمت‌کش و این نکته را یادآور می‌شود که انسان در هر موقعیت شغلی می‌تواند برای کشورش مفید باشد و اشاره به این جواب بسیار زیبا و باشکوه که رئیس‌جمهور وقت آمریکا، «جان اف‌کندی»، روزی از ناسا، سازمان ملی و فضانوردی آمریکا بازدید می‌کند و از رفتگری می‌پرسید، چه می‌کنی، جواب او انسان را به وجد می‌آورد و به تعظیم به آن مرد وادار می‌کنند. می‌گوید: دارم زحمت می‌کشم که پای آمریکا به کره ماه برسد، نقل از خود روزنامه «شرق» است. حال اجازه می‌خواهم نظری به روزنامه جامعه داشته باشیم و بیان‌کنار در شجاعش ماشاء‌الله شمس‌الواعظین و همکاران تشکیل‌دهنده‌اش، دکتر حمیدرضا جلالی‌پور و علیرضا رحایی که بیماری صعب‌العلاجی در وجودش رخنه کرده و برای آن عزیز اندیشمند از خدای بزرگ شقای عاجل می‌طلبم و نیز فرزانه روستایی، علی قدیمی، اکبر قاضی‌زاده و لیلی فرهادپور، نقل از مجله وزین مهرنامه شماره ۵۱، صفحه ۳۱۷، تعظیم می‌کنم به همه آن

politics@sharghdaily.ir ارسال شود. بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد. روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

نگاه

تجلی اخلاق، آزادی و کرامت انسانی در نهضت حسینی

بهنام افشاری - روزنامه‌نگار

● ۱۳۷۸ سال از «روز واقعه»، یعنی عاشورای سال ۶۱ هجری قمری می‌گذرد. عاشورا، تنها یک حادثه تاریخی مربوط به یک دوره و مکان خاص نبود؛ بلکه یک گفت‌و و مکتب آگاهی‌بخش، هدایت‌بخش و انسان‌ساز است که پیام آزادی و حفظ کرامت انسان را برای همه عصرها و نسل‌ها تداعی می‌کند. در متن این واقعه، ارزش‌ها و عناصر برجسته‌ای نظیر اخلاق، آزادی، کرامت انسانی، معنویت، شجاعت، عزت، ظلم‌ستیزی و... جای گرفته و این عناصر و مؤلفه‌های مهم، واقعه عاشورا را از دیگر رویدادهای تاریخی متمایز کرده و به آن یک هویت جهانی بخشیده است. نهضت امام حسین (ع) برگرفته از منطق قرآن بود. امام (ع) در شرایطی نهضت خود را بنا نهاند که استبداد و طاغوت بر جامعه اسلامی سایه افکنده بود؛ یعنی کلام اموی به نام اسلام، نه خلافت، بلکه سلطنت می‌کردند و آزادی‌های مشروع و قانونی را سلب و در دین بدعت و انحراف‌های زیادی ایجاد کرده بودند. به‌همین‌سبب امام حسین (ع) با منطق قرآن و در یک حرکت عقلانی و اصلاح‌طلبانه، نهضت خود را در راه اصلاح جامعه اسلامی و رهایی انسان‌ها از قید و بندهای تحمیلی استبداد و طاغوت و دست‌یابی به عدالت، آزادی و حفظ کرامت انسان آغاز و در نهایت نیز جان خود را در این راه فدا کردند تا بر بلندای تاریخ و به همه عصرها و نسل‌ها این پیام جهان‌شمول را منعکس کنند که ارزش و کرامت انسان بسیار فراتر و شریف‌تر از آن است که آدمی در برابر ظلم نه به ذلت دهد، چنان‌که خود به صراحت فرمودند: «بهيات (معاذ است) برای ما تسلیم و خواری». آزادی و آزادی‌گی لازمه کرامت انسانی است؛ یعنی کرامت انسانی زمانی حفظ می‌شود که انسان بتواند آزادانه و اخلاق‌مدارانه در جامعه زندگی کند و به عقلانیت، اندیشه، اختیار و حقوق مسلم او احترام گذاشته شود و در تعیین سرنوشت خود آزادانه و به صورت مستقیم مشارکت داشته باشد. «فرهنگ گفت‌وگو» در نهضت حسینی، جایگاه برجسته‌ای دارد. امام حسین (ع) براساس منطق قرآن و با تکیه بر عقلانیت، نهضت خود را از ابتدا بر مبنای گفت‌وگو و مذاکره بنا کردند؛ زیرا ایشان به دنبال جنگ‌طلبی و کسب قدرت نبودند. چنان‌که در منابع مختلف تاریخی آمده است، امام حسین (ع) در مصاف با سحر راه و عمر سعد، خواستار بازگشت به مکه شدند؛ اما اجازه این کار به ایشان داده نشد و سیاه یزید بازگشت ایشان را منوط به پذیرش بیعت با یزید دانست؛ اما امام حسین (ع) یزید را فاقد هر نوع شایستگی و صلاحیت برای تصدی حکمرانی در جامعه اسلامی می‌دیدند و به‌همین‌این به‌هیچ‌وجه حاضر به بیعت با یزید نبودند و بیعت با یزید را عین ذلت می‌دانستند؛ اما امام حسین(ع) همواره درصد بودند تا با موعظه، گفت‌وگو و مذاکره، از یزید هرگونه جنگ خودداری کرده و مخالفان خود را اقناع و به طریق حقیقت هدایت کنند. دعوت امام (ع) به آزادی و حریت، بیانگر جایگاه آزادآزی در مکتب اسلام است. آزادی موهبتی الهی قلمداد می‌شود که نه‌تنها هیچ‌گونه ناسازگاری بین دین و آزادی وجود ندارد؛ بلکه اسلام آزادی را مهم‌ترین مسئله برای انسان دانسته و در واقع دین و قرآن برای آزادی انسان نازل شده و آزادی راه حفظ کرامت انسان و رسیدن او به سعادت و کمال معنوی است. امام حسین (ع) روز عاشورا، مخالفان خود را به پذیرفتن و عمل به اصول مشترک انسانی، یعنی اخلاقی‌زیستن و آزادگی که لازمه حفظ شأن و کرامت انسانان است، دعوت می‌کنند و می‌فرمایند «ان لم یکن لکم دین وکنتم لا تخافون المعاذ کونوا احرارا فی دنیا مک؛ اگر دین نادیده و با آخرت باور ندارید، در دنیا آزاد باشید».

برخی از روشنفکران دینی که معتقدند اخلاق یک امر فرداینی و مستقل از دین است، به این سخن امام حسین (ع) استناد می‌کنند. در منطق و نهضت امام حسین (ع) نه‌تنها اجبار و اکراه جایی ندارد؛ بلکه ایشان به عنصر اراده و اختیار انسان و تدبیر در امور تاکید و توجه دارند؛ چنان‌که در منابع مختلف تاریخی آمده است که امام حسین (ع) بعد از مشورت با اصحاب و یاران خود، زمانی که تصمیم گرفتند از مکه به سمت کوفه حرکت کنند، هیچ کسی را به اجبار و اکراه با خود همراه نکردند و حتی گفته‌اند و نوشته‌اند که ایشان در شب عاشورا در جمع یاران و همراهان خود، خطبه مفصلی خواندند و ضمن تفهیم اوضاع، همراهان خود را مرخص کردند و مانند آنها و ادامه راه را به انتخاب خودشان گذاشتند. امام حسین (ع) و نهضت حسینی، متعلق به همه بشریت است؛ زیرا اهداف و پیام عاشورا برای همه بشریت و انسان‌های آزادی‌خواه و عدالت‌طلب است. به تعبیر مرحوم سفیدرود عاشورا و صلح دار، یک صفحه سفید و نورانی است که یک صفحه تاریک، سیاه و ظلمانی ۱. دراین‌میان جنبه و صفحه سیاه و ظلمانی حادثه عاشورا بسیار برجسته شده؛ یعنی بیشتر به ظلم‌هایی که بر حسین (ع) و یاران او رفت و جنبه‌های احساسی و عاطفی آن واقعه نظر کرده‌ایم و آن‌گونه که باید و شاید به صفحه سفید و بُعد معرفت‌شناسانه عاشورا توجهی نکرده‌ایم. براساس‌این امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند شناخت و درک و فهم معرفت‌اندیشانه عاشورا و تفکر و تأمل در عمق آن رویداد مهم هستیم؛

۱- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، انتشارات صدرا، چ چهل‌وچهارم، ۱۳۸۵، ص ۱۸.